

امثال القرآن

محمد حسن مکارم



■ **تشبیه، در اصطلاح عبارت است از مانند ساختن کسی یا چیزی به کس یا چیزی دیگر، از جهت معنی یا صفت یا شکل، و دارای چهار رکن است: مشبیه، مشبیه به، وجه شبه و ادات تشبیه**

استقبال همه فرهنگ‌ها قرار گرفته، بلکه نشانگر قوت و قدرت ادبیات و فرهنگ هر ملت است. در ادبیات فارسی و نیز در قرآن کریم، به کرات از این صناعت ادبی استفاده شده است تا تأثیر مضاعف بر مخاطبان خود بگذارد. قرآن به صراحت می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا» یعنی خداوند باکی ندارد که به پشه کوچک و چیزی بزرگ‌تر از آن مثل زند.

تشبیه، در اصطلاح عبارت است از مانند ساختن کسی یا چیزی به کس یا چیز دیگر، از جهت معنی یا صفت یا شکل، و دارای چهار رکن است: مشبیه، مشبیه به، وجه شبه و ادات تشبیه [نوروزی، ۱۳۷۶: ۳۰۳]. در جمله «علی چون شیر است»، تشبیه بسیط یا ساده به کار رفته است. در بیت زیر، سعدی از «تشبیه تمثیل» که کامل‌ترین و زیباترین نوع تشبیه به حساب می‌آید و در علم «بیان» انواع آن را می‌توان یافت، استمداد می‌جوید و می‌گوید:

کتاب قاموس قرآن، ذیل کلمه «مثل»، به تعریف این واژه پرداخته و حکایت از آن دارد که دو کلمه «مَثَلٌ» و «مِثْلٌ» به ترتیب ۸۰ و ۸۱ بار در قرآن کریم تکرار و به صورت کلمه امثال جمع بسته شده، و در معانی متعددی استعمال گردیده است، از جمله به معنی صفت، عبرت، دلیل و علامت. «تمثیل» یا «ارسال مثل» به کلامی گویند که ضرب‌المثل شده، و یا ضرب‌المثلی را دربردارد؛ مانند: نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود، در فارسی، و در قرآن مجید مانند: «أَنْ مَعَ الْعَسْرِ يُسْرًا» مثل در حقیقت قصه‌ای واقعی یا فرضی است که گوینده از جهاتی، آن را شبیه قصه موردنظر خود می‌داند. لذا در کلام خود ذکرش می‌کند، تا ذهن شنونده با تصور آن، قصه موردنظر را کامل‌تر و بهتر تصور کند. مثلاً عرب وقتی می‌خواهد بگوید: «من هیچ چیز ندارم، می‌گوید: «مَنْ نَهْ شَتْرَ مَسَادَةٍ دَارِمٌ نَهْ نَر» [طباطبایی، ج: ۳۲۹].

مَثَلٌ، هم به دلیل زیبایی آن، و هم به خاطر فهم آسان، مورد

■ چون فهم
بعضی حقایق
دینی و رسیدن به
حاق مطلب برای
غالب انسان‌ها
مشکل است،
خداوند از مثل‌هایی
استفاده کرده و
تشبیهاتی به کار
گرفته تا موضوع
قریب به ذهن
شود

تواضع کند هوشمند گزین نهد شاخ پر میوه سر بر زمین

در این بیت، طبق قاعده تشبیه، سر به زمین آوردن شاخ پر میوه، امری بدیهی و ثابت دانسته شده (مشبه به). آن‌گاه ادعا می‌کند و ارشاد می‌نماید که هوشمند گزین نیز باید مانند آن، سر به زیر و متواضع باشد (مشبه). در بیت زیر سنایی عالم حرص را مثل دزد چراغ به دست می‌داند و جویای علم را تحذیر می‌کند:

چو علم آموختی از حرص، آن‌گه ترس کاندرشب چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا

اوج تأثیرگذاری تشبیه و تمثیل را می‌توان در ماجرای دید که نظامی عروضی در چهار مقاله خود آورده است. هنگامی که "امیرنصر بن احمد سامانی" به مدت چهار سال در شهر هرات اقامت می‌گزیند، سپاهیانش از توقف طولانی او خسته می‌شوند و به سراغ "رودکی" می‌روند و مبلغ قابل توجهی به او پیشنهاد می‌کنند تا طرحی بریزد که امیر، هرات را ترک کند. رودکی نیز می‌پذیرد و با سرودن شعر معروف خود، «بوی جوی مولیان»، سپاهیان را به هدف خود می‌رساند.

به گفته نظامی، وقتی رودکی به این دو بیت رسید:

میر ماه است و بخارا آسمان ماه سوی آسمان آید همی میر سرو است و بخارا بوستان سرو سوی بوستان آید همی

امیرنصر چنان منفعل گشت که از تخت فرود آمد و بی‌موزه، پای در رکاب خنک نوبتی آورد و روی به بخارا نهاد، چنان‌که رانین و موزه تا دو فرسنگ در پی امیر بردند به برونه و آن‌جا در پای کرد و عنان تا بخارا هیچ باز نگرفت [عروضی سمرقندی، مقاله دوم، حکایت دوم]. آن‌چه موجب شد که امیر چنین واکنش نشان دهد و بدون کفش، بر اسب یکدک و آماده بنشیند و تا بخارا یک نفس بتازد و ساق پوش و کفش او را در دو فرسنگی بتواند به او رسانند، شنیدن چند تشبیه و استعاره بود.

تفاوت تعریف و کاربرد اصطلاحاتی چون تمثیل، استعاره،

کنایه، مثل و انواع تشبیه، خارج از این مقال است. آن‌چه ما اجمالاً در پی آنیم، بیان اهمیت کاربرد مثل و تشبیه فراوان در قرآن است تا جایی که تعداد آن بالغ بر شصت مورد می‌شود. چون فهم بعضی حقایق دینی و رسیدن به حاق مطلب برای غالب انسان‌ها مشکل است، خداوند از مثل‌هایی استفاده کرده و تشبیهاتی به کار گرفته تا موضوع قریب به ذهن شود، زیرا که گفته‌اند: "ما لا یدرک کله لا یرک کله".

اگر امثال و تشبیهات تمثیلی را به تفکیک جمع آوریم، نمونه‌های قرآنی بیشتری می‌یابیم. در سوره مبارکه نور، اعمال کافران به سرابی در بیابان تشبیه شده است. از آن‌جا که سراب رفع تشنگی نمی‌کند، اعمال کافران هم خاصیتی ندارد. در سوره مبارکه عنکبوت، تکیه بر غیر خدا کردن، به ساختن خانه عنکبوتی تشبیه شده است. در سوره رعد، برای تقریب به ذهن دو مفهوم حق و باطل، از باران و جاری شدن سیل و ایجاد کف روی آب استفاده کرده و باطل را به مثابه کف دانسته است و حق را به آب زیر کف تشبیه کرده است. در سوره بقره، به منظور تشویق مؤمنان به انفاق و بذل مال، از تمثیل سنبله‌های هفت‌گانه نام برده است که هر یک مشتمل بر ۱۰۰ دانه است. در سوره اعراف، برای تفهیم علم بدون عمل، ماجرای "بلعم با عورا" - همان عالم یهودی - را ذکر و او را به سگ‌ها تشبیه می‌کند [فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ].

در سوره مبارکه نور، خداوند خود را نور آسمان‌ها و زمین می‌داند و می‌افزاید: مثل نور او همانند چراغ‌دانی است که در آن چراغی پر فروغ باشد و حبابی قرار گیرد... (مثل نوره کمشکاه). در سوره بقره، برای تفهیم کسج روی و انحراف منافقان و خسارت دیدن آنان، این‌گونه مثل می‌زند: آنان در مثل به کسی مانند که در بیابان آتشی افروخته (تا راه خود را بیابد)، اما وقتی آتش اطراف خود را روشن کرد، خداوند آن را خاموش کند و در تاریکی وحشتناکی رهایش سازد [مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا].

پدیده شرک در قرآن مجید به شدت محکوم شده است، تا جایی که پیامبر اکرم (ص)، چون پیامبران قبل از خود، می‌فرماید: چنان‌چه شرک به خدا ورزند، همه اعمالشان باطل می‌گردد و

■ **انکار توحید و پذیرش شرک، به آن درجه خطرناک است که نابودی حقیقی انسان را به طور قطع فراهم می آورد؛ گرچه چند روزی به زندگی مادی در این دنیا بپردازد**

خود تجدیدنظر کنند، ولی جواب منفی می شنوند [مضمون آیه ۱۰۰]. از طرفی، شرک موجب خبط و نابودی تمامی اعمال انسان می شود، چگونه امکان جبران همه اعمال وجود دارد؟! در سوره مبارکه اعراف، عملاً به این ادعا و تقاضا پاسخ منطقی داده است و می فرماید: پیامبران متعدد برایتان فرستادیم تا آیات الهی را بر شما تلاوت کنند، و شما نباید آنان را تکذیب کنید و بدون داشتن هیچ دلیلی، به خدای یگانه شرک ورزید... به شما گفتیم که ظلمی بالاتر از این نیست که کسی حرف های خداوندی را دروغ انگارد که در آن صورت سرنوشت بدی خواهد داشت... وقتی به جرم شرکشان وارد دوزخ شوند، هر قومی، قوم دیگر را مقصر می داند و می گوید: اینان بودند که ما را به گمراهی کشانند و تقاضا می کنند خدا عذاب "دو چندان" بر آنها نازل کند.

از این رو، در ادامه آیات، با "کنایه ای" شگفت و قاطع می گوید: اینان هرگز مورد رحمت قرار نمی گیرند، و وارد بهشت نمی شوند، مگر آن که شتر از سوراخ سوزن عبور کند! آیات ۳۳ تا ۴۰ سوره اعراف. این کنایه چنین است: "حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ".

بنابراین، سقوط مشرکین قطعی است و شرک جرمی نابخشودنی است، به طوری که بر همه اعمال سایه می افکند. اگر شتر از روزنه کوچک سوزن عبور کرد، مشرک هم وارد بهشت می شود و چون کار اول محال است، کار دوم هم غیر ممکن خواهد بود.

امیرالمؤمنین (ع) که این حقایق را به خوبی در مکتب محمدی فرا گرفته، همگان را بصیرت می دهد و می گوید: خدا رحمت کند کسی را که اندیشه کرد و عبرت گرفت و فهمید که آن چه از عمر دنیا باقی مانده، به زودی سپری می شود و آخرت ماندگار است. ساعات باقی مانده عمر هم به پایان خواهد رسید [خطبه ۱۰۲].

منابع.

۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین. تفسیرالمیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. تهران. ۱۳۶۳.
۲. تواب، جهان بخش. تشبیهات و تمثیلات قرآن. نشر قو. تهران. ۱۳۷۶.
۳. نوروزی، جهان بخش. معانی و بیان. کوشامهر. شیراز. ۱۳۷۶.

* مدرس مراکز تربیت معلم و مرکز آموزش های فرهنگیان فارس

قطعا زیانکار می شوند [زم، ۶۵]؛ در سوره لقمان نیز از زبان او به فرزندش گفته می شود: "أَنْ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ".

از میان تمامی تشبیهات و تمثیلات قرآنی به یک مورد در زمینه شرک می پردازیم تا علت خشم خداوند نسبت به شرک و بیزاری او از اتصاف به داشتن شریک هویدا شود. به آیه ذیل توجه کنیم:

"مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتُخَطِّفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ" [حج، ۳۱] یعنی: هر که شریکی برای خداوند قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده است و پرندگان (در هوا) او را می ربایند، و یا تند باد او را به مکان دوری پرتاب می کند.

در آیه شریفه، برای ترسیم حقیقت شرک در اذهان مردم و پی بردن آنان به ضرر و خسارت غیر قابل جبران آن، چنین تمثیل شده که انسان مشرک مثل کسی است که مهار و کنترل خود را از دست داده، و از ارتفاعات آسمان، به طرف زمین رها شده است و لاشخورهای در حال پرواز، در میانه راه، به بدن او حمله کرده اند تا هر کدام قطعه ای از گوشت او را بریایند و ببرند. سپس می افزاید: اگر هم از جنگال این پرندگان، جان سالم به در برد، گرفتار باد شدیدی شود، به طوری که بدنش را به بیابانی یا کوهستانی دوردست پرت کند.

با این تشبیه کاملاً رسا، قرآن کریم به وضوح بیان می کند که عقیده به توحید، موجب امان و امنیت و سلامت می گردد و انکار توحید و پذیرش شرک، به آن درجه خطرناک است که نابودی حقیقی انسان را به طور قطع فراهم می آورد؛ گرچه چند روزی به زندگی مادی در این دنیا بپردازد. خداوندی که به حقایق امور آگاه است و غیب آسمان ها و زمین را می داند، از آثار اعمال ما در حیات پس از مرگ به روشنی خبر می دهد تا به خود آیین و راه را از بیراهه باز شناسیم. خدای منان، برای نجات بندگان از گمراهی و نیل به سعادت، از ضرب هیچ مثلی و ارائه هیچ تشبیه و تمثیلی - همان گونه که خود فرمود - ایا نمی کند.

در سوره مومنون آمده است که برخی بدکاران، به هنگامه برزخ و کوتاه شدن دستشان از دنیا، دچار ندامت و پشیمانی می شوند و تقاضا می کنند آنان را به دنیا باز گردانند تا در اعمال گذشته